



# موعظه ها و نامه های رسمی پاپ فرانسوا

پیام پاپ فرانسوا برای زمان روزه ۲۰۱۴

## "او فقیر گشت باشد که با فقر او شما غنی گردید" (دوم قرن ۸ : ۹)

برادران و خواهران عزیز؛

از آنجا که زمان روزه نزدیک می‌شود، تمایل دارم در مسیر تغییر فردی و همچنین گروهی مان، اندیشه‌هایی یاریگر را به شما پیشکش کنم. این بینش‌ها ملهم از کلام پولس قدیس است: "چرا که شما فیض خداوند ما عیسی مسیح را می‌شناسید و می‌دانید که او گرچه غنی بود، با این حال برای شما فقیر گشت، باشد که با فقر او شما غنی گردید" (دوم قرن ۸ : ۹). این رسول خداوند به مسیحیان قرنت نامه می‌نوشت تا ایشان را در یاری دادن مسیحیان نیازمند اورشلیم، به سخاوتمندی برانگیزد. این سخنان پولس قدیس امروز برای ما مسیحیان به چه معناست؟ این دعوت به فقر، زندگی با فقر انجیل‌باورانه، امروز برای ما چه معنایی دارد؟

### ۱. فیض مسیح

این پیام پیش از هر چیز به ما نشان می‌دهد خدا چگونه کار می‌کند. او خود را نه پوشیده در ردای قدرت و ثروت اینجهانی بلکه در ضعف و بینوایی آشکار می‌کند: "گرچه او غنی بود، برای شما فقیر گشت...". مسیح، پسر جاودانه خداوند، یکی با خداوند در قدرت و جلال، برگزید که فقیر باشد، به میان ما آمد و هر یک از ما را به سوی خود کشید. او جلال خود را کنار نهاده خود را تهی کرد، باشد که در همه چیز شبیه ما باشد. (فیل ۲ : ۷، عبر ۴ : ۱۵). انسان شدن خداوند رازی است عظیم! اما دلیل تمامی این کار محبت اوست، محبتی که فیض، سخاوت و تمایل به جذب ماست، محبتی که تردید نمی‌کند تا خود را همچون قربانی برای دوستدارانش، تقدیم کند. دستگیری و محبت، شریک شدن همه چیز است، با کسانی که دوستشان داریم. محبت ما را همسان می‌سازد، برابری می‌آفریند، دیوارها را فرومی‌ریزد و فاصله‌ها را ناپدید می‌کند. خدا با ما چنین کاری کرده است. به یقین عیسی "با دستان انسانی کار کرد، با ذهن انسانی اندیشید، با انتخاب انسانی عمل کرد و با قلبی انسانی عشق ورزید. او که از مریم باکره زاده شد، به راستی یکی از ما شد، در همه چیز مانند ما شد، مگر در گناه."

با ناچیز کردن خود عیسی در پی فقر برای خود نبود بلکه چنانکه پولس قدیس می‌گوید: (او چنین کرد) "باشد که با فقر او شما غنی گردید". این یک شعار یا بازی با کلمات نیست. بلکه منطق خداوند است؛ منطق محبت، منطق تنیافت و صلیب. خداوند نگذاشت رستگاری ما مثل صدقه دادن کسی که نه از روی حس تقوا و نوع-دوستی بلکه از روی فراوانی صدقه می‌دهد، از آسمان پایین بیافتد. محبت مسیح متفاوت است! وقتی عیسی پا در آب رود آردن گذاشت و به دست یحیی تعمید یافت، این کار را از روی نیاز به توبه و تغییر نکرد، او این کار را کرد تا بین مردمی جا بگیرد که نیاز به بخشش داشتند؛ میان ما گناهکاران، تا بار گناهان ما را بر دوش بگیرد. به این ترتیب او برگزید که ما را تسلی بخشد، ما را نجات بدهد، تا ما را از بدبختی خودمان برهاند. قابل توجه است که رسول می‌گوید که ما نه با غنای عیسی بلکه با فقر او آزاد شده ایم. با این حال پولس قدیس به خوبی از "غنای بی غیاث مسیح" (افس ۳ : ۸) آگاه است، که او "وارث همه چیز است" (عبر ۱ : ۲).

پس فقری که عیسی با آن ما را رها کرده و ثروتمند می‌کند کدام است؟ این فقر، چگونگی محبت کردن ماست، چگونگی همسایه‌ما بودن، همانطور که سامری نیکو همسایه مرد نیمه جانی بود که در کنار راه رها شده بود (لو ۱۰ : ۲۵ ب). آنچه آزادی و شادی واقعی به ما می‌دهد، همدردی، شفقت و همبستگی محبت اوست. فقر مسیح که ما را نجات می‌دهد، همانا تن یافتن و به دوش کشیدن ناتوانی‌ها و گناهان ما توسط اوست، به عنوان رحمت بی‌پایان خداوند نسبت به ما. فقر مسیح عظیم‌ترین گنج‌ها است؛ ثروت عیسی، اطمینان بی‌مرز و اعتماد پایدارش به خدای پدر است، غنای او، تمایل همواره منحصر به انجام اراده پدر و جلال دادن اوست. عیسی سرشار است مثل کودکی که حس می‌کند که محبوب پدر و مادر است و والدینش را دوست می‌دارد، بی‌آنکه برای لحظه‌ای به عشق و مهربانی آنها شک کند. ثروت عیسی در پسر بودگی او نهفته است؛ رابطه یگانه او با پدر امتیاز ویژه این فرمانروای فقیر است. وقتی عیسی از ما می‌خواهد که "یوغ او را که سبک است" برگیریم او از ما می‌خواهد که با این "فقری که غنی است" و با "غنای او که فقیر است" در روح خواهر و برادری او شریک شویم، تا در آن پسر، پسران و دختران و در برادر نخست‌زاده، خواهران و برادران باشیم (روم ۸: ۲۹).

گفته اند تنها پشیمانی واقعی در قدیس نشدن است؛ پس می‌توان گفت؛ تنها یک نوع فقر حقیقی وجود دارد؛ نزیستن همچون فرزندان خدا و خواهران و برادران مسیح.

## ۲. شهادت ما

ممکن است فکر کنیم که این "روش فقر، روش عیسی بود، بنابراین ما که پس از او آمده ایم، می‌توانیم با منابع انسانی درست جهان را نجات دهیم. موضوع این نیست. خدا همیشه و همه‌جا، با فقر مسیح که خود را در آئین‌های کلیسا فقیر می‌کند، در جهان و کلیسای خود که جماعت فقر است، کار نجاتبخشی انسان و جهان را ادامه می‌دهد. غنای خداوند نه از ثروت ما، بلکه همواره تنها از فقر شخصی و گروهی ما، که با روح مسیح احیا شده است، می‌گذرد.

در پیروی از استادمان، ما مسیحیان فراخوانده شده‌ایم تا با فقر خواهران و برادرانمان روبرو شویم، تا آن را لمس کرده، از آن خود کنیم، و برای تسکین آن گامهای عملی برداریم. بی‌چیزی همانند فقر نیست؛ بی‌چیزی فقر است بدون ایمان، بدون پشتوانه، بدون امید. سه نوع بی‌چیزی وجود دارد: بی‌چیزی مادی، اخلاقی و روحانی. بی‌چیزی مادی چیزی است که معمولاً فقر خوانده می‌شود و بر کسانی که در شرایط شایسته انسانی زندگی نمی‌کنند اثرگذار است؛ یعنی آنهایی که نیازهای اولیه‌ای نظیر آب و غذا و بهداشت و شرایط کار و رشد و توسعه فرهنگی را ندارند. کلیسا یاری و خدمت خود را در پاسخ به این بی‌چیزی، ارائه می‌کند، در برخورد با این نیازها و بستن این زخم‌ها که چهره انسانیت را زشت می‌کند. در برخورد با فقیران و رانندگان، ما چهره مسیح را می‌بینیم؛ با محبت و یاری کردن بینوایان، ما عیسی را محبت و خدمت می‌کنیم. زحمات ما همچنین در راستای پایان دادن به زیرپا گذاشتن شأن انسانی، تبعیض و بدرفتاری در جهان است، چرا که اغلب، اینها سبب بی‌چیزی هستند. وقتی قدرت،

تجمل و پول، بُت می‌شوند، اولویت را از توزیع عادلانه ثروت می‌گیرند. بنابراین آگاهی ما باید به سوی عدالت، برابری، سادگی و تسهیم بگردد.

نگرانی نسبت به بی‌چیزی اخلاقی که برآمده از بردگی گناه و بدی است نیز کمتر از این نیست. خانواده‌ها چه دردی می‌کشند به خاطر آنکه یکی از افرادشان - اغلب جوان - گرفتار الکل، قمار یا هرزه‌نگاری است! چه تعدادی دیگر معنایی برای زندگی یا امیدی در آینده نمی‌بینند، چه تعداد کسانی که امیدشان را از دست داده اند! و با شرایط نابرابر اجتماعی و با کمبود دسترسی برابر به آموزش و بهداشت، در این بی‌چیزی غرق می‌شوند و بیکاری، شأن آنها را به عنوان نان‌آور از آنها می‌گیرد. در چنین شرایطی بی‌چیزی اخلاقی را می‌توان خودکشی قریب‌الوقوع دانست. این نوع از بی‌چیزی که ویرانی مالی نیز به همراه دارد، همواره با بی‌چیزی روحانی همراه است که وقتی آنرا تجربه می‌کنیم که از خدا روی‌گردانده، محبت او را رد کنیم. اگر از آنرو که باور داریم خودمان به تنهایی می‌توانیم از پس انجام امور برآییم، فکر کنیم که به خداوند که از راه مسیح به سوی ما دست دراز می‌کند نیازی نداریم، رو به سقوط می‌رویم. تنها خداوند می‌تواند ما را رهانیده، نجات بخشد.

انجیل تنها پادزهر واقعی بی‌چیزی روحانی است؛ ما فراخوانده شده‌ایم تا به عنوان مسیحی هر جا که برویم این خبرهای رهایی‌بخش را اعلام کنیم که؛ بخشش گناهان ممکن است، که خداوند از گناهکاری ما عظیمتر است، که او آزادانه ما را همه‌وقت محبت می‌کند، و ما برای مشارکت در زندگی جاوید آفریده شده ایم. خداوند از ما می‌خواهد که قاصدان شادمان این پیام رحمت و امید باشیم! تجربه شادی این مژده‌رسانی، شریک شدن گنجی که به ما سپرده شده است و تسلاهی دل‌های شکسته و امید رساندن به برادران و خواهرانی که تاریکی را تجربه می‌کنند، هیجان‌آور است. این یعنی پیروی و اقتدا به عیسی، که همچون شبانی که مهربانانه در جستجوی گوسفندان گمشده خویش است، بینوایان و گنهکاران را می‌جوید. در یگانگی با عیسی ما می‌توانیم دلاورانه راه‌های تازه بشارت‌رسانی و پیشرفت انسان را بگشاییم.

خواهران و برادران عزیز، باشد که در این فصل روزه، تمامی کلیسا آماده شهادت انجیل پر رحمت خداوند، پدر پرمهر ما باشد، به تمامی آنانیکه در بی‌چیزی مادی، اخلاقی و روحانی به سر می‌برند؛ انجیل‌پدري که آماده است همگان را در مسیح بپذیرد. ما نیز می‌توانیم به همان میزان که مسیح فقیر شد و با فقر خویش ما را غنی کرد، این وظیفه را به انجام برسانیم. زمان روزه، زمانی مناسب است برای انکار نفس؛ می‌توانیم خود بپرسیم که با فقر خویش در ترک چه چیزهایی می‌توانیم به دیگران کمک کرده و غنی‌شان سازیم؟ فراموش نکنیم که فقر راستین رنج‌آور است؛ هیچ انکارنفسی، بدون این بُعد توبه‌گری، حقیقی نیست. کار خیری که بی‌بها و بی‌سختی انجام شود، اعتباری ندارد.

۲۶ دسامبر ۲۰۱۳

جشن استیفان قدیس، خادم کلیسا و نخستین شهید

فرانسوا

از واتیکان